

هنرجو قالی باف است!

اگر بنا بود ایران و ایرانی را در یک کلمه توصیف کنید، چه می‌گفتید؟ فکرش را بکنید، همه ویژگی‌ها و خصوصیات و اهداف یک کشور و ملتش را در یک کلمه بریزید. من می‌گفتم قالی ایرانی. قالی ایرانی در واقع نماد زیبایی و نشاط، صمیمیت، امید و سخت‌کوشی، دقت و ظرافت است؛ نماد استقامت برای رسیدن به یک هدف بزرگ و باشکوه است. بافتن قالی کوچک ممکن است شش ماه یا بیشتر طول بکشد و در تمام این مدت قالی‌باف فقط حواسش به برنامه است؛ به جدولی که طرح قالی را کشیده و او با هر گرهی که می‌زند برنامه را جلو می‌برد. این پیشرفت با دقت روی گره به گره قالی به دست می‌آید و اگر حتی یک گره از برنامه خارج باشد یا اشتباه شود، تصویر نهایی گلی می‌شود که گل‌برگش سوراخ است یا برگش سیاه شده است! در این مدت قالی‌باف برای رسیدن به یک هدف بزرگ و باشکوه، مثل یک قالی زیبای ایرانی، در کنار گروهش، با امید به شیرینی نتیجه، گره می‌زند و گره می‌زند. اگر دستش هم زخم برداشت یا ابزارش سنگین بود، نا امید نمی‌شود و رها نمی‌کند. کسی فکر تک‌خوری نیست. همه خودشان را برای پیشرفت یک کار گروهی وقف می‌کنند. ایرانی‌ها خودشان و تاریخشان پر است از نمادهای شبیه به قالی‌هایشان. تار و پود این قالی‌ها با فرهنگ و وجود ایرانی‌ها بافته و با هم عجین شده‌اند؛ پیر و جوان، و زن و مرد هم ندارد.

تاریخ ایران پر است از استقامت‌هایی که برای رسیدن به هدفی بزرگ صورت گرفته‌اند؛ حتی اگر کسی هم زخم برداشته باشد. مثالش را می‌خواهید بدانید، ۱۳ آبان ۵۷ و دانش‌آموزان شهیدش.

این تاریخ پر است از دقت و ظرافت برای اینکه نکند این قالی زیبا را چیزی خراب و نتیجه زحمت مردمش را باد هوا کند! مثل وقتی که دانشجویان ایرانی مسلمان در یک لانه موش را باز کردند و کثیفی‌های جاسوسی دشمن را آب و جارو کردند تا ایران سربلند و مستقل بماند.

یا وقتی که این همه دانش‌آموز و دانشجو و دانشمند، گره به گره، با امید و انگیزه آینده این کشور را می‌بافند. هر کسی در جدول پیشرفت کشور گره خودش را می‌زند تا وقتی کمی عقب‌تر رقیب و از دور تماشا کردیم، یک قالی به وسعت ایران، زیبا و پرافتخار، ببینیم. دستان توانمند یک هنرجو هم وقتی کنار بقیه هنرجوها و بقیه قالی‌باف‌ها، قرار بگیرد، گره‌های مهمی می‌زند و گره‌های بزرگی از پیشرفت ملتش باز می‌کند.